

فرهنگ و اخلاق اقتصادی ایرانیان در دوره‌ی مشروطه

محمدرضا جوادی یگانه¹

تقی آزاد ارمکی²

سمیه توحیدلو³

تاریخ دریافت: 1391/4/15، تاریخ تایید: 91/7/3

چکیده

توسعه و پیشرفت از جمله مفاهیم عامی است که بسیار درباره آن‌ها سخن به میان آمده است. تلاش برای شناخت راه‌های بومی رشد و پیشرفت از جمله دغدغه‌های اساسی جامعه ایرانی در زمان حاضر بوده است. علیرغم چنین تلاشی به نظر می‌رسد توجه به کنشگر و فاعل انسانی در امر توسعه مغفول واقع شده است. روایتی صحیح از کنشگری اقتصادی ایرانیان نه در زمان حال و نه در گذشته‌ی تاریخی موجود نیست. آنچه هست تنها استیلای تئوری‌های کلانی است که به طرق مختلف دلایل عدم پیشرفت را توضیح داده‌اند. از این‌روست که در این مقاله تأکید و توجه ویژه‌ای بر خصوصیات فردی ایرانی در حوزه اقتصاد به عمل آمده و تلاش گردیده این خصائص در مقایسه و تطبیق با اخلاق اقتصادی روایت شده توسط ماکس وبر از دیگر ادیان و خصوصا دین پروتستان فرار بگیرد. شاید از منظر مقایسه بتوان به توصیف و تبیینی از چرایی عدم پیدایش روح سرمایه‌داری - در معنای وبری آن دست یافت.

واژگان کلیدی: اخلاق اقتصادی، رفتار اقتصادی، روح سرمایه‌داری، تاریخ مشروطه.

myeganeh@ut.ac.ir
tazad@ut.ac.ir
smtohidlou@gmail.com

1. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
2. استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
3. دکترای جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد.

مقدمه

یکی از فاکتورهای مهم در نظریه‌های توسعه و مباحث مربوط به پیشرفت جوامع، نوع نگاه و باور داشته‌های مردم درباره ثروت و سرمایه است. باورها و نگرش‌هایی که ساخته و پرداخته فرهنگ و یا سنت‌ها و هنجارهای مردمی است که صاحب کسب و کارند و هر یک به نوعی با مقوله درآمد، ثروت و دارایی در ارتباطند. همین باورها و همین انگیزاننده‌هاست که رفتارهای اقتصادی ویژه‌ای را بوجود آورده است. دیگر نمی‌شود روال و خط سیرهای از پیش تعیین‌شده‌ی توسعه را برای کشورهای مختلف مفروض دانست و بسیاری از نظریات کلاسیک توسعه و همچنین بسیاری از نظریات کلاسیک اقتصادی جای خود را به نظریات جدیدتری داده‌اند که به فرهنگ، باورها و آداب و رسوم جوامع نگاه برجسته‌ای دارند.

امروزه پذیرش جایگاه عاملیت در کنار ساختارهای موجود امری شایع در عرصه‌های جامعه‌شناسی است و نقدهای ویژه‌ای به موضوع جامعه‌شناسی‌های کلان به چشم می‌خورد (لاجوردی، 1385: 179).

«نقد به جامعه‌شناسی کلان در واقع نقدی است به غفلت آنان از این امر که هم بر ساختارهای کلان جامعه (به تعبیر هابرماس سیستم) در ایجاد وضعیت‌های اجتماعی موثرند و غفلت از زندگی روزمره و ساختارهای کلان به یکسان سبب نامطلوب ماندن شرایط اجتماعی می‌شود» (لاجوردی، 1385: 180).

اما با وجود این کمتر تاریخ اقتصادی سراغی از فرد و عامل و به دنبال آن فرهنگ و باورداشته‌های وی گرفته شده است. پذیرش فرهنگ به عنوان یکی از زیربناهای شکل‌دهنده‌ی رفتار اقتصادی هم نزد نظریه‌پردازان اجتماعی از کلاسیک تا متأخر، و هم نزد اقتصاددانان نهادگرای امروز امری پذیرفته شده است. اما به لحاظ تجربی رفتار اقتصادی و حتی کنشگری اقتصادی از جمله مواردی است که کمتر در حوزه جامعه‌شناسی ایرانی اندیشیده شده است. نبود سازمان بوردیوی جامعه‌شناسی در حوزه جامعه‌شناسی اقتصادی یکی از دلایل این محدودیت‌هاست، حال اینکه شناخت همین رفتار اقتصادی است که می‌تواند ما را به سمت موضوع ثروت، نقش آن، جایگاه آن و پیامدهای توسعه‌ای آن رهنمون سازد.

در واقع موضوع تجمیع ثروت و استفاده‌ی آن در فعالیتهای تولیدی و اشتغال‌زا از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی امروز ما در امر توسعه می‌تواند باشد. دغدغه‌ای که تنها راه اشتغال‌زایی و حل مشکل بیکاری هم قلمداد می‌شود. توجه و اهتمام ویژه به ترویج فرهنگ کارآفرینی و ایجاد فضایی که بتواند کارآفرینان¹ موفق را به جامعه تحویل دهد، از جمله

استراتژی‌های حاکم در این زمینه بوده است.

بنابراین نقطه آغاز و شروع کار پژوهشی‌ای که این مقاله برآمده از آن است،¹ از همین سؤال و اهتمام ویژه به‌دست آمده است. توجه به این موضوع که فرد ایرانی به واسطه‌ی تمامی آنچه به او به ارث رسیده اعم از دین، سنت و تاریخ، چه رفتاری در قبال ثروت دارد و تا چه اندازه برایش تولید ثروت ارزشمند است، چیزی است که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود. نظر به مشکلات اجتماعی² کارآفرینانی که در این دوران و کمی پیشتر - قبل از انقلاب - می‌زیستند نشان از یک سنت دیرینه‌ای در میان ایرانیان دارد که تجمیع ثروت به تنهایی ارزشمند نبوده است؛ و یا حتی به نظر می‌رسد کسانی که در تمام عمر صرفاً به تولید و تجمیع سرمایه پرداخته‌اند، انسان‌هایی فاقد ابعاد گوناگون و مادی قلمداد شده‌اند که با تعریف سنتی انسان کامل - انسان معنوی - فاصله زیادی دارند. از دیگر سو این باورداشت تاریخی از عدالت که ثروت در دست هیچ انسانی جمع نخواهد شد مگر به بهره‌کشی از دیگران، خود عاملی بوده است برای مذموم قلمداد کردن ثروت اندوزی. چنین نحوه نگرشی که به عنوان یکی از مشکلات اجتماعی کارآفرینان ایرانی یاد شده است، ریشه در تاریخ و نهادهای غیر رسمی‌ای دارد که متعلق به امروز و دیروز نیست.

به نظر می‌رسد این رفتارها درونی شده‌ی اخلاقی باشند که کنشگر ما آن را از طرق متفاوت درونی کرده است. در واقع می‌توان چنین برداشت کرد که هنجارها و باورهای افراد تحت عنوان آموزه‌های اخلاقی درونی شده و در قالب کنش‌ها و رفتارهای ما به عینیت خواهد رسید. از این رو برای فهم اخلاق درونی شده‌ی افراد نیازمند مشاهده‌ی عینیات آن‌ها در قالب رفتار و کنش‌ها هستیم.

رفتار و کنش‌هایی که در این مقاله جابه‌جا استفاده می‌شود و مقصود از آن‌ها همان کنش‌های نیت‌مندی است که می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه بر اقتصاد و عوامل اقتصادی تأثیرگذار باشد و یا اینکه بتوان از آن‌ها تفسیر اقتصادی به دست داد. از این‌روست که واحد تحلیلی که از آن یاد شده همان اخلاق اقتصادی است و در نهایت دسته‌بندی‌هایی از این اخلاق به دست خواهد آمد، اما واحد مشاهده همان کنش‌ها و رفتارهای اقتصادی و یا مرتبط و تأثیرگذار بر اقتصاد است.

شناخت موضع ایرانیان درباره‌ی ثروت، سرمایه و امور اقتصادی بسته به باورهایی دارد که در طول سالیان درونی کرده‌اند. از این‌روست که تاریخ و آثار آن را نمی‌توان از موضوعات فرهنگی حذف نمود. برای شناخت وضعیت موجود دقت در وضع گذشته می‌تواند نتایج ارزشمندی را به همراه

1. این مقاله برآمده از تز دکتری با عنوان "رفتار اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه" بوده است.

2. قاعدتاً تنها بخش اجتماعی مشکلات منظر بوده و توجهی به موانع دولتی و بیرونی مد نظر نبوده است.

داشته باشد. همین مهم مطالعه‌ی رفتار اقتصادی ایرانیان در گذشته را ارزشمند می‌سازد. مطالعه‌ای که به دلیل تمرکز مطالعات تاریخی در ساختارها و نهادهای پهن‌دامنه‌تر کمتر بدان توجه شده است. کمتر کتاب تاریخی و روایت و تحلیل تاریخی است که تنها به سوژه‌ی انسانی نظر کرده باشد. انسان تاریخی به عنوان کنشگر اقتصادی کمتر شناخته شده است. آنچه هست تنها پراکنده‌هایی از نقل قول‌های سیاحان و یا روایان تاریخ است. از این روست که شناخت و تجمیم این ویژگی‌ها نزد ایرانیان می‌تواند سودمند باشد.

نظر کردن به موضوعی خرد در دل تاریخ کاری بس وقت‌گیر و در اکثر مواقع غیر قابل انجام است، لذا برای روایت‌هایی از این دست نیاز به برگرفتن برشی از تاریخ وجود دارد، برشی که بتواند ما را به نتایج دقیق‌تر و تبیین‌هایی ارزشمندتر در ارتباط با مسائل روز جامعه برساند. آنچه از رفتار اقتصادی ایرانیان در این مقاله روایت خواهد شد متعلق به دوران مشروطه است. در واقع از دوره سلطنت ناصرالدین شاه به عنوان زمینه‌های شکل‌گیری جریانی که اغلب آن را به عنوان جریان مدرن بازناسانده‌اند، تا برآمدن رضا خان. علت انتخاب این دوره نیز تنها به نوع برداشت عموم از آن دوران باز می‌گردد.

در بسیاری از روایت‌های تاریخی، مشروطه به عنوان آغاز ارتباط ایران با غرب شناخته می‌شود. زمانه‌ای که بخشی از تحصیل‌کردگان ایرانی در غرب به ایران بازمی‌گردند. آثار و نتیجه‌ی اصلاحات امیرکبیر در عرصه آموزش تا حدودی نتیجه داده و تفاوت‌های بارزی در ساختارها و نهادهای اقتصادی دیده می‌شود. سفرهای متعدد شاه و اطرافیان به غرب نیز آن‌ها را در مواجهه با دنیای مدرن قرار داده است.

درواقع از اواسط دوران ناصرالدین شاهی است که نهادهای اقتصادی خود را نشان می‌دهند. تا پیش از آن تنها دستگاه بدون حساب و کتاب مالیه وجود داشته و بس. به مرور برآمدن دولتی با چند وزیر، تشکیل وزارت تجارت، راه یافتن بانک به داخل جامعه‌ی ایرانی، شکل‌گیری نهادهای مختلف اقتصادی اعم از مجلس وکلای تجار و مشابه آن‌ها، ساختارهای اقتصادی را در کنار سایر ساختارها می‌نشانند. هرچند این ساختارها تنها در حد ساختار و یک نام باقی می‌مانند و چندان قانون و نهادهای رسمی اقتصادی به دنبالشان به‌وجود نمی‌آید، اما به هر ترتیب، این دوران زمانی است که می‌توانسته زمینه‌ساز تشکیل اقتصاد مدرن در جامعه ایرانی باشد. طبیعتاً ورود چنین ساختاری به جامعه ایرانی رفتارها و کنش‌های اقتصادی ایرانیان را نیز می‌تواند برجسته سازد. حضور حداکثری تجار و فعالیت ایشان در زمان مشروطه نیز ناظر به اهمیت امر اقتصاد در فعل و انفعالات آن روزگار است. بنابراین این دوره تاریخی می‌تواند به عنوان لحظه‌ای که به گمان بسیاری زمان تغییرات بزرگ در امر اقتصاد است، نمونه خوبی برای مطالعه تاریخی باشد.

با توجه به آنچه ذکر آن رفت می‌توان سؤال‌های اصلی‌ای را که در این مقاله قرار است بدان پرداخته شود اینگونه صورتبندی نمود که:

اخلاق اقتصادی‌ای که ایرانیان در دوران مشروطه بدان متصف بوده‌اند کدامها بوده است؟

نوع نگاه مردم به موضوعاتی چون، ثروت، سرمایه، کار و... چگونه بوده است؟

آنچه موضوع اصلی این مقاله است موضوع اقتصاد و رفتار و کنش‌های اقتصادی است. آنچه مهم است نه سیاست‌های اقتصادی خالق مشروطه که رفتارهایی است که مردم در قبال ثروت داشته‌اند. سبک‌های زندگی ایشان از منظر اقتصادی و نیز باورهای ایشان درباره کار، پول و ثروت موضوع این کار است. نمی‌توان از روح سرمایه‌داری و بودن یا فقدان آن در جامعه‌ای یاد کرد و درباره اخلاق اقتصادی آن جامعه چیزی ندانست. تمامی آنچه در بخش اقتصادی این دوران موجود است نیز تنها رفتار سیاسی بخشی از بدنه اقتصادی فعال در دوران مشروطه بوده است و بس. کمتر درباره سبک‌های زندگی و گذران روزمره ایشان سخنی جامع به میان آمده است.

وبر و اخلاق اقتصادی ادیان

عمده فعالیت وبر در زمینه اخلاق اقتصادی مربوط به "کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری" و همینطور مقالاتی است که در زمینه اخلاق اقتصادی در دیگر ادیان به تبع رسانده است.

وبر با اشاره به آموزه‌های کالونی و لوتری سعی دارد تفاوت کنشی را که این دو آموزه دینی ایجاد میکند، شفاف سازد. در واقع بر این باور است که زهدگرایی اخلاقی کالوینیستی فضایی را ایجاد می‌کند که می‌تواند منجر به روح سرمایه‌داری و به دنبال آن انواع پیشرفت شود. بنابراین در آثار وبر تعاریف موجود از اخلاق اقتصادی و یا حتی کنش‌هایی که نمایای این اخلاق هستند، اغلب مصبوغ و مسبوق به دین و انواع باورهای منفک از دین است. هرچند که تنها عامل آن نیستند. وبر اخلاق پروتستانی و یا کالونی را به عنوان نمونه آرمانی اخلاق اقتصادی‌ای در نظر می‌گیرد که می‌تواند منجر به پیدایش روح سرمایه‌داری شود. همین ایده است که باعث می‌شود کلیه آثار دیگر وی درباره ادیان به گونه‌ای در مطابقت با نوع نگاه کالونی تعریف شود. در واقع اگر اخلاق اقتصادی کالونی به عنوان نمونه آرمانی و سرآمد اخلاق مذهبی در نسبت با روح سرمایه‌داری تعریف شود، انواع دیگری از اخلاق اقتصادی وجود دارد که رنگ ادیان یا باورهای دیگری را به خود گرفته که نتیجه آن‌ها کنش‌های سنتی و عاطفی بوده است. کنش‌هایی که عقلانی نبوده و یا حداقل زمینه‌ساز پیدایش روح سرمایه‌داری و نگرش مدرن به جامعه نیستند.

کار وبر در خلال این سالها انتقادات و تکمله‌های متعددی خورده است. پرداختن به تمامی آنها نه در این مقاله می‌گنجد و نه می‌تواند کمکی به ساماندهی نظری آن نماید. طبیعتاً پذیرش چارچوب و نوع نگاه عقل‌گرایانه وبر فاصله‌ای را با بسیاری از نقدهای متعلق به مکاتب دیگر ایجاد خواهد کرد. اما با توجه به اقتصادی بودن سؤال و پاسخی که برای آن در نظر گرفته شده می‌توان به نقد داگلاس نورث- نهادگرا و نوبلیست اقتصادی پیرو وبر- از پنداره‌های وبری از اخلاق اقتصادی ادیان اشاره کرد:

«از تحلیل وبر نمی‌توان نتیجه گرفت اخلاق مذهبی پروتستان به ویژه کالونیسیم باعث رشد سرمایه‌داری شده است. از سوی دیگر وبر می‌کوشد ارتباطی میان نگرش مذهبی و ارزش‌ها و همچنین میان ارزش‌ها و رفتار اقتصادی برقرار نماید، اما او نشان نمی‌دهد که چگونه این توالی به خلق نهادها و سازمان‌هایی می‌انجامد که رشد سیستم اقتصادی را پدید می‌آورند» (نورث، ۲۰۰۵: ۱۳۵).

نقطه‌ی اتصال کار وبر با نئونهادگرایان اقتصادی در نقد فوق خلاصه می‌شود. با کمک همین نقد است که ایشان از مفهوم نهادها استفاده نموده و بر تأثیرگذاری نهادهای رسمی و غیر رسمی- که قواعد کنش میان آدمیان هستند- بر روی قواعد اقتصادی نئوکلاسیک سخن می‌گویند. کاری که به جهت تبیین ربط بین پذیرش باورها و شکل‌گیری مواضع اقتصادی بدان نیازمندیم. اما با توجه به اینکه این مقاله تنها به توصیفی از اخلاق اقتصادی ایرانیان بسنده خواهد کرد و ارجاع به وبر را تنها در حد مفهوم‌سازی و شاخص‌سازی‌های اولیه مدنظر دارد، لذا نیازی به استفاده از نگاه‌های نظری مکمل برای این مقاله وجود نداشته است.

با توجه به دلالت‌های فوق می‌توان کار نظری کار را از منظر وبر به شرح زیر صورتبندی نمود: موضوع اصلی و سؤال اصلی ما توصیف وضعیت اخلاقی و اقتصادی ایرانیان بوده است. شناخت صورت‌های مختلف باور اقتصادی با کمک مفهوم «روح سرمایه‌داری» وبر و شرایط پیدایش و ظهور آن می‌تواند امکان‌پذیر باشد. روح سرمایه‌داری از مفاهیم داغ و حساس مورد نظر وبر بوده است.

موضوع مورد توجه وبر در اغلب آثارش "اخلاق اقتصادی" بوده است. اخلاق اقتصادی و کم و کیف آن است که عاملی در پیدایش روح سرمایه‌داری می‌شود. اخلاق اقتصادی خود منفک از برخی باورهای دینی و عوامل دیگری است که افراد به شکل اکتسابی در دوران اجتماعی شدن در جامعه می‌آموزند. آنچه در این کار مورد توجه اساسی قرار می‌گیرد اخلاق اقتصادی است. اخلاق اقتصادی می‌تواند همانند آموزه‌های منتج از کالوین، فرهنگی خاص را ایجاد نماید که منجر به پیدایش روح سرمایه‌داری شود، همین‌طور می‌تواند تحت تأثیر ادیان دیگر، سنت‌ها و باورهای مرسوم از اخلاق اقتصادی کالوینی فاصله بگیرد. وبر عنوانی که بر این نوع اخلاق که

منتج از آداب و رسوم سنتی تر و یا ادیان با آداب ویژه خود شکل می‌گیرد را اخلاق اقتصادی سنتی نام نهاده است. در واقع "اخلاق اقتصادی کالونی" و "اخلاق اقتصادی سنتی" دو سنخ آرمانی اساسی برای این مطالعه نیز می‌تواند باشد، که با توجه به نظریات وبر صورتبندی شده است. «مراحل تاریخی مهمی وجود دارد که جامعه‌ای در این مراحل دست به انتخاب‌هایی می‌زند و او این انتخاب‌ها را دوتایی می‌داند، انتخاب میان روندی که به پیشبرد تفکیک گسترده‌های حیات کمک می‌کند و روندی که شیوه‌های سنتی کنش‌گری را تداوم می‌بخشد» (کرایب، 1389: 383).

آنچه از روش شناسی فردگرایانه وبری حاصل می‌شود توجه به موارد خاص و نمونه‌هایی است که رفتار نیتمند داشته‌اند و بررسی و مقایسه آن‌هاست. اتفاقی که به لحاظ روشی در آثار او بسیار افتاده است و بنابراین است که در این مقاله نیز از همان روش استفاده شود.

« این شیوه شناخت مورد خاص، یعنی دیدن مورد خاص در مقام نشانه یک کل زیربنایی از اندیشه رمانتیکی و محافظه‌کارانه آلمانی سرچشمه می‌گیرد- سبکی که ویلهلم دیلتای آن را به شکلی ثمربخش و با ظرافت و زیرکی تحسین برانگیزی بسط داد» (وبر، 1387: 68).

در عمده کارهای وبر، جهت برقراری ارتباط بین باورهای دینی و اخلاق اقتصادی منفک از آن، بر نحوه سلوک و رفتارهای آیینی ادیان توجه ویژه مبذول گشته، چرا که این بخش از منظر وبر مبتنی بر روان‌شناسی اجتماعی ادیان بوده و قابلیت کار جامعه‌شناسانه را دارد. در این کار نیز نمی‌توان از آیین‌ها و مظاهر دینی و سنتی پذیرفته شده نزد ایرانیان چشم پوشید.

« نه آموزه اخلاقی یک مذهب بلکه سلوک اخلاقی ناشی از آن است که دارای فواید روان‌شناختی متناسب با تلقی هر مذهب معین از فواید آموزش "خلق و خوی" خاص آن مذهب به معنای "جامعه‌شناختی" کلمه را تشکیل می‌دهد. برای پیوریتنیسم این سلوک نحوه‌ای از زندگی بود که به نحو روشمند و عقلانی تعیین شده بود و در شرایط معین راه "روح" سرمایه‌داری جدید را هموار نمود» (وبر، 1371: 250).

مفاهیم حساس وبری

باتوجه به اینکه روش کار مطالعه تاریخی است و با نظر به شاکله‌ی کار که خوانش تفهیمی از تاریخ مدنظر قرار دارد، لذا همانند دیگر روش‌های کیفی می‌بایست رجوع به اسناد را بر اساس سؤال اصلی و مفاهیم داغ و حساسی که تجارب پیشین و چارچوب نظری به‌دست می‌دهند، آغاز نمود.

تشابه مسئله و صورتبندی اصلی کار با نمونه کار وبر در اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، برخی از مفاهیم اساسی را که در کار وبر پراهمیت شمرده می‌شود، به دست می‌دهد. این

مفاهیم به گونه‌ای همان تبیین‌کننده‌های روح سرمایه‌داری در غرب نیز بوده است. وبر با تحلیل چند مدرک معتبر در تاریخ غرب گذر از سه گردونه اساسی تاریخی و تلفیق این سه شرط و خصوصیت را زمینه‌ساز آنچه خود روح سرمایه‌داری می‌داند، برمی‌شمرد. اخلاق فرانکلین، مفهوم breuf در اندیشه‌های لوتری و آموزه‌های زهدگرایانه‌ی کالونی. از خلال هر کدام از این آموزه‌ها و باورها بخش‌هایی از آنچه بدان اخلاق پروتستانی گفته شده شکل گرفته است. بر این اساس مفاهیم مرکزی این پژوهش با توجه به نظریات وبر از این قرار خواهد بود:

روح سرمایه‌داری: روح سرمایه‌داری به عقیده ماکس وبر مبتنی بر وجود نوعی از بنگاه‌های تولیدی که رسیدن به حداکثر سود هدف آن‌ها و سازمان عقلایی کار و تولید وسیله آن‌هاست. همین پیوند میل به سود، به انضباط عقلانی است که از لحاظ تاریخی وجه تمایز خاص سرمایه‌داری غربی را تشکیل می‌دهد. آدم‌های حریص و پول پرست در همه جوامع شناخته شده جهان وجود داشته‌اند اما مورد نادر و احتمالاً یگانه وجود این گرایش است که میل به پول پرستی نه از طریق فتوحات، سوداگری یا ماجراجویی بل از راه گردن نهادن به انضباط و استفاده از علم ارضاء شود (آرون، 1386: 601).

ماکس وبر در بخش اقتصادی کتاب اقتصاد و جامعه درباره تعاریف سود و سرمایه، یا مبادله و بازار و نیز انواع مطلوبیت‌ها سخن رانده است. اما به نظر می‌رسد توجه ویژه‌ای که در اخلاق پروتستان به مفهوم سرمایه‌داری دارد جدای از تعاریف اقتصادی مشروحی است که از مفاهیم اقتصادی چه توسط وبر و چه دیگر اقتصاددانان به دست داده‌اند. هرچند که در تعریف سرمایه‌داری تمایز از ثروت جویی را مد نظر قرار داده است اما با تقابل قائل شدن بین سنت‌گرایی و سرمایه‌داری به وجه اجتماعی این مفهوم پرداخته است.

تفاوت روح سرمایه‌داری - که یکی از علت‌های آن خصوصیات دینی جامعه برشمرده شده است - و روح ماقبل سرمایه‌داری در میزان توسعه ثروت‌اندوزی نیست. زیرا روحیه ثروت‌اندوزی از آغاز تاریخ وجود داشته است. مهمترین حرفی که روح سرمایه‌داری به مفهوم نوع معینی از زندگی مقید به اصول اخلاقی با آن روبه رو بوده است، بر خورد و واکنش نسبت به موقعیت‌های جدیدی است که می‌توان آن را سنت‌گرایی نامید. به بیان دیگر سرمایه‌داری به کمک تربیت مذهبی بهتر می‌تواند بر روحیه سنتی فائق آید... وبر مفهوم روح سرمایه‌داری را در برابر سنخ دیگری از فعالیت اقتصادی که آن را سنت‌گرایی می‌نامید قرار می‌داد. سنت‌گرایی در فعالیت اقتصادی در هر جا که کارگران کار کمتر را به مزد بیشتر ترجیح می‌دهند و... قابل مشاهده است (وبر، 1379: 57).

از طرف دیگر او با اضافه کردن روحیه حرفه‌ای و ارزش‌بخشی به کار و تبدیل شغل به تکلیف،

در تعاریف مختلف بر عنصری اجتماعی و فراتر از اقتصاد دست گذارده است. وجهه‌ای که با عنوان "روح سرمایه‌داری" بخش زیادی از بار معنایی متفاوتش را از مفهوم سرمایه و مطلوبیت مبادله نشان می‌دهد. اینجاست که برای نشان دادن ماهیت این روح و روحیه به سراغ آموزه‌های فرانکلین رفته و آن‌ها را زمینه‌ساز اخلاق پروتستانی می‌خواند.

1. وقت طلاست.

2. اعتبار، سرمایه است.

3. به یاد داشته باش که پول دارای ماهیتی زیاد شونده و مولد است. پول می‌تواند پول بزاید و اخلاف آن می‌توانند بیشتر بزایند و به همین ترتیب الی آخر.

4. آدم خوش حساب شریک مال مردم است.

5. حساب درآمد و هزینه‌ها را به دقت نگه دارید- از پول خرد مراقبت کنید اسکناس از خود مراقبت خواهند کرد.

6. همواره به دوراندیشی و سخت‌کوشی خود را بشناسانید. وقت را بیهوده تلف نکنید. کل پولی که بیهوده صرف گردد نه تنها ارزش خود را از دست داده است بلکه پولی را که می‌توانست تولید کند نیز از دست داده است.

خیر اعلی در این اصول اخلاقی که کسب هرچه بیشتر پول است آمیخته با پرهیز شدید از تمام لذایذ آنی زندگی و بالاتر از همه کاملاً عاری از هر آمیزه لذت‌گرایانه است. این امر آنچنان مطلقاً هدفی در خود تصور می‌شود که از دیدگاه عادت فرد مفرد یا منفعت او کاملاً غیر مادی و مطلقاً غیر عقلانی به نظر می‌آید. آدمی محکوم به پول در آوردن و "کسب" به عنوان هدف غایی زندگی‌اش است (کرایب، 1389: 407-409).

آنچه به عنوان روح سرمایه‌داری از آن یاد می‌شود پیوند نزدیک و ناگسستنی با ارزش بخشیدن به کار و استفاده از تمام قوا و استعدادهای انسانی در راه تولید و به‌کارگیری مجدد سرمایه دارد و از این روست که با مشوق‌های دینی و اجتماعی نوعی ریاضت‌کشی اقتصادی را زمینه‌ساز پیدایش روح سرمایه‌داری می‌داند. نوع خاصی از دینداری که به گونه‌ای به مذمت ثروت شهره‌اند نیز در این نوع نگاه به سرمایه‌داری به کمک می‌آیند.

ثروت فقط هنگامی که موجب بطالت و لذت‌جویی گناه آمیز شود، از نظر اخلاقی مذموم است. ثروت اندوزی وقتی بد است که هدف خوشگذرانی و بطالت باشد، ولی کسب ثروت از طریق انجام وظیفه در یک تکلیف نه تنها اخلاقاً جایز است، بلکه عملاً توصیه شده است (وِبر، 1380: 14).

Beruf یا تکلیف¹: لوتر - به عنوان فردی که وبر به اندیشه‌های او بسیار توجه کرده است - در سنجش اخلاق کاتولیکی با اخلاق پروتستانی به طور کلی، در درجه اول به تفسیر دقیق و تازه واژه *Beruf* یا "خویشکاری" یا همان "تکلیف" کتاب مقدس در ترجمه جدید پروتستان‌ها توجه می‌کند و پژوهشگرانه به بررسی ریشه‌های آن از کتاب مقدس کلاسیک تا ترجمه‌های مختلف اروپایی عهدین می‌پردازد. او نشان می‌دهد که این واژه در زبان آلمانی دارای معنای دوگانه «پیشه و شغل» از یک سو و «دعوت مذهبی، رسالت و فریضه دینی» از سوی دیگر است و در میان اغلب ملل پروتستان نیز این بار معنایی دوگانه را یافته است که در حقیقت در آیین‌های پروتستانی معنایی یگانه و وحدت یافته و هماهنگ می‌یابد و یک مفهوم دنیایی - دینی یگانه‌ای را القا می‌کند.

«مفهوم *Beruf* بیانگر آن جزم محوری همه شاخه‌های پروتستانی گردید که تقسیم کاتولیکی احکام اخلاقی به دستورات و ارشادات آن را طرد می‌نمود. زندگی خداپسندانه نه با فراتر رفتن از اخلاقیات دنیوی و توسل به ریاضت‌کشی زاهدانه، بلکه فقط با انجام وظایف دنیوی که جایگاه هر فرد در زندگی برای وی مقرر کرده است، میسر می‌باشد و این همان 'تکلیف [Beruf]' اوست... انجام وظایف دنیوی در هر شرایطی یگانه طریق زندگی خداپسندانه است و این طریق و فقط این طریق مرضی خداست و از این رو همه مشاغل مشروع در نظر خداوند از ارزش مطلقا یکسانی برخوردارند. تردیدی نیست که توجیه اخلاقی زندگی شغلی دنیوی یکی از مهمترین نتایج نهضت کلیسا و بخصوص شخص لوتر است...، برای لوتر مفهوم *Beruf* مفهومی سنت گرایانه باقی ماند. شغل چیزی است که انسان باید آن را چونان فرمان خدا بپذیرد و خود را با آن "سازگار" نماید. این صبغه سنت گرایانه ایده دیگر موجود را که شغل در یک تکلیف و شاید یگانه تکلیفی است که خدا برای انسان مقرر کرده است، در محاق قرار داد. بنابراین، تنها نتیجه اخلاقی که مستقیما حاصل شد نتیجه‌ای منفی بود، یعنی اگرچه تبعیت وظایف دنیوی از وظایف ریاضت کشانه ملغا شد، اما در همان حال تبعیت از مافوق و تسلیم به وضع موجود زندگی تبلیغ می‌گردید» (وبر، 1380: 79-90).

آموزه‌های کالونی: بطور خلاصه ویژگی‌ها و شاخص‌های این اخلاق که مورد توجه وبر قرار گرفته و درواقع سنخ آرمانی وی برای مطابقت با دیگر ادیان شده، از قرار زیر است:

ارزشمندی کار به عنوان عاملی برای افزایش اعتماد به نفس، عاملی دفاعی در برابر وسوسه‌ها، عاملی برای اجرای اراده خدا و غایت زندگی انسان. ملاک ارزیابی کار ثمرات دنیایی آن خواهد

1. واژه آلمانی *Beruf* یکی از واژگانی است که وبر از آن استفاده می‌کرده که از آن معنای کار به مثابه تکلیف اخلاقی و ارزشی استفاد می‌شده است.

بود.

الزامها و ارزش‌های صریح: نگرش منفی نسبت به هنر، روابط جنسی و نفی همه اعمال جادویی، نمادگرایی، مراسم اعتراف به گناه و تشریفات دفن مردگان، نگرش تحقیرآمیز نسبت به فقر و فقرا، بی‌اعتمادی به روابط انسانی در عین حال اتکا به درستکاری، انزوای عمیق درونی، نفی لذایذ نفسانی و شادی‌های دنیوی، گناهکار منفور و دشمن پروردگار.

سبک زندگی پذیرفته شده: عقلانی، حذف انواع تقدس‌ها از سنت، اعتقاد به پلورالیسمی که در آن اوج اخلاقی معنا ندارد، اعتقاد به دین برای بهره‌برداری‌های دنیوی پذیرفته شده، خویشتن‌داری هوشیارانه و سرکوب خواسته‌ها، مخالفت با تن‌آسایی، استفاده منظم از سرمایه، صاحب اخلاق تجارت و عاملی برای اعتماد دیگر مؤمنان، مسئولیت اخلاقی تراکمی، یاری‌دهنده نظم بوروکراتیک، باور به رسالت انسان در زندگی یا beruf.

به لحاظ ساختاری شهر مهم‌ترین مکان بروز و ظهور این دین. در شهر حالت خلسه ریاضت کشانه از دست می‌رود و عرفانی رنگ پریده‌تر ظاهر می‌شود.

روحانیون به عنوان رهبران دینی به دنبال عبادات مذهبی و وظایف ارشادی، تصویری غیرشخصی از رهبران دینی وجود دارد و به شکل یک "روح آسمانی" از احترام برخوردارند. انسجام درون دینی و گسیختن از قیود خویشاوندی، شمول ناپذیری اجتماعی.

اخلاق اقتصادی ادیان مختلف

وبر در مجموعه کارهایی که درباره تمدن‌های مختلف انجام داده است به آیین و تمدن چینی (کنفوسیوس)، آیین‌های کاست‌ها در هند، آیین و اخلاق یهودیت در فلسطین و اخلاق و منش پروتستان‌ها اشاره دارد. در انتهای عمر خویش نیز پژوهشی ناکامل بر روی اسلام انجام داده است. ویژگی نوشته‌های وبر درباره تمدن‌های مختلف این است که آن‌ها را از منظر رشد و پیشرفتشان مقایسه می‌کند. در واقع اخلاق پروتستان برای وبر نمونه‌ای آرمانی و تأثیرگذار بر روح سرمایه‌داری بوده است. در سایر مطالعات وبر درباره دین و تمدن‌ها، این نگاه تطبیقی وجود دارد.

از مطابقت آنچه وبر درباره ادیان مختلف به دست داده می‌توان به جدول انطباقی زیر رسید. در واقع جدول زیر خلاصه‌ای از صورت‌بندی ادیان و فرهنگ‌های مختلف است. این فرهنگ‌ها زمانی قابلیت مطالعه‌ی اجتماعی دارند که نقش ایشان در کنش‌های اجتماعی و روابط بین افراد با دیگر افراد، گروه‌ها، ساختارها و مفاهیم دیگر مشخص شود. از این‌روست که روابط بین آدمیان تحت عناوینی چون رابطه انسان با دیگر انسان‌ها، رابطه‌ی انسان با خدا، رابطه‌ی انسان با طبیعت و هستی و رابطه‌ی انسان با خودش تقسیم‌بندی شده است. از طرف دیگر نشان دادن

موضع ایشان نسبت به مفاهیم اقتصادی اعم از ثروت و سرمایه (نمادین و غیر نمادین) برای شناخت اخلاق اقتصادی ارزشمند بوده است. بررسی تعاملات انسانی برای شناخت فرد و کنشگر اقتصادی ارزشمند است.

بنابراین در جدول زیر دسته‌بندی‌ای از ویژگی‌های اخلاقی ادیان مختلف به زعم وبر، ذیل شاخص‌های مختلفی که بر اساس ویژگی‌های ارتباطی - اجتماعی - اقتصادی تهیه شده ارائه خواهد شد. آنچه در جدول زیر می‌آید مقدمه‌ای برای مطالعه‌ی تاریخ و اسناد تاریخی بوده است. در واقع مفاهیم یاد شده مفاهیم حساسی هستند که حساسیت نظری محقق را برای مطالعه‌ی تاریخ و دسته‌بندی اطلاعات آن برانگیخته است.

داده‌های جدول زیر به تمامی از مقالات و کتب وبر به دست آمده است.

جدول 1: مقایسه اخلاق‌های مختلف نشأت گرفته از ادیان¹ از دید وبر

مفهوم	اخلاق پروتستان	اخلاق کنفوسیوس	اخلاق هندو	اخلاق یهودی	اخلاق اسلامی
تلاش و کوشش	اعتقاد به خدایی فرا دنیوی، نفی جادوگری	اعتقاد به نظم کیهانی، مدارا با جادوگری	اعتقاد به متافیزیک، اعتقاد به ثنویت (خدای شخصی و عقیده به ذاتی الوهی) باور شدید به سحر و جادو	انسان ابزار در دست خدای خاص خداوند بود، یهوه و لعل خدای مورد پرستش ایشان	اعتقاد به خدای واحد
استعداد و نبوغ	سازگاری با جهان از طریق تلاش بی وقفه برای کسب فضائل در پیشگاه الهی، آرمان دگرگونی بالنده	انطباق با دنیا، برای حفظ هماهنگی بین آسمان و زمین، آرمان نظم	کثرت گرایی اخلاقی و تأملات عرفانی و بی‌اعتنایی به جهان برای رسیدن به نجات عمومی	به دنبال آرامش در پرتو خدا عرضه کننده خردگرایی اخلاقی گرایانه	اسلام حاوی لذت و طرد توأمان با توجه به گروهی که در آن حضور دارند. جنگجویان صوفیه یا تشیع
موفقیت زنده	خوبیستن داری هوشیارانه به منظور مهار طبیعت شرورانه، اثنا و تحقق اراده الهی	خوبیستن داری هوشیارانه به منظور حفظ شأن و رسیدن به کمال نفس	خوبیستن داری به جهت داشتن زندگی بهتر در زدگی بعدی و ترفیع در کاستی که در آن متولد می‌شوند (تناسخ ارواح)	جهان در آینده جایی برای حکمرانی یهودیان خواهد بود. رسیدن به فضیلت نزدیک، عمر طولانی و خوش نامی	به ظاهر رستگاری اخروی، اما تبدیل به آماده سازی افراد برای مبارزه با اهداف مختلف گشت.

1. ایده اولیه از جدول مقایسه پیوریتنیسم و آیین کمفوسیوس توسط بندیکش گرفته شده است.

پيامبري سنت و جهان را بدن گونه كه هست شيطاني جلوه مي دهد. انسان به مدد تلاش خود نمي تواند به خير و نيكي دست يابد.	نمود پيامبري ناشي از حرمت و خدشه ناپذيري سنت، انسان مي تواند از خشك ارواح پرهيز كند و خوب باشد به شرط آنكه رفتار درستي داشته باشد. حضور اديبان	اعتقاد به قدرت هاي برهنه ها به عنوان روشنفكران و روحانيون خانوادگي. احترام به مراتب ها.	پيامبران بي شمار چه در نقش پيامبر ناب و روحاني و چه در نقش پادشاه. ارتباطشان با پيامبران راستين در حد استهزا بود. پيامبران قدرتمند بر ايشان حكمراني مي كردند.	پيامبر اسلام آداب و رسوم اوليه را منطبق بر آداب و عادات همان باديه نشينان وضع كرد و تغييرات عمده اي در ايتنا نداد.
تبعيت همه مناسبات انساني از وظائف انسان در برابر خداوند	وفاداري به خانواده به عنوان عنوان اصلي حاكم بر همه روابط انساني	اعتقاد به تقدس روابط خویشاوندی و پابندی به کاست و قبیله و روابط صلب درون کاستی	آریستوکراسی نظامی در گروه های خویشاوندی، گروه های قبیله ای یا خانوادگی گسترده با کیش و نیای مشترک	پیرو اخلاق قبیله ای و انسانی و نه یک جهان بینی منحصی
قانون و توافق عقلانی به مثابه مبنای معاملات تجاری، کانون ها و انجمن های داوطلبانه، قانون و تشکیلات اداری عمومی	روابط خویشاوندی به منزله زمینه داد و ستدهای تجاری، کانون ها و انجمن های داوطلبانه، قانون و تشکیلات اداری عمومی	کاست و روابط قبیله ای زمینه روابط تجاری، تقابل فرهنگی به واسطه مستعمره بودن، علاقه به شغل دولتی، دارمای حرفه ای خود را داشتند	قراردادهای محکم و مؤید به سوگند، توصیف برادری، حمایت از بهنگاران و بیگلتگان در کنار سنت جنگ و جهاد، اعتقاد به عمل	روحیه لذت جوینان صرف دین امساک و زهد این جهانی نبود
اعتماد به همه برادران دینی	عدم اعتماد به همه افرادی که عضو خانواده گسترده نیستند.	اعتماد به اعضای کاست و ممنوعیت ارتباط و ازدواج با دیگر کاستها	آیین برادری و اعتماد به هم کیشان و سلامت در اخلاق	اعتماد داخل قبیله ای
ثروت به مثابه وسوسه و نتیجه جنبی یک زندگی توأم با فضیلت	ثروت به مثابه مبنایی برای حفظ شأن و رسیدن به کمال نفس	عدم تعلق انسان به این دنیا و نفی ثروت، ارزشمندی زمین و اعتبار کاستها بر اساس مالکیت زمین	انسان برای عمل زاده شده است. ثروت به مثابه مبنایی برای حفظ شأن و رسیدن به فضیلت نزدیک	تجملات و دارایی باعث افتخار. علاقمند به کشورگشایی به جهت کسب غنایم.

با توجه به اینکه وبر اخلاق اقتصادی دیگر ادیان را در مقابل اخلاق کالونی - پروتستانی قرار داده است، اگر قرار به ساختن سنخ آرمانی ای در مقابل اخلاق پروتستانی باشد، می توان با توجه به جدول مقایسه ای آیین های مختلف، مواردی به قرار زیر را به دست آورد:

- منزله گرایی زاهدانه، عرفان گرایی ناب و نادیده گرفتن جهان.
- انجام وظایف سنتی از روی وجدان به جای استفاده از نظام زندگی عقلانی پیوسته.
- توجه به نیت اعمال به جای خود عمل و ثمراتش.

- نوع نگاه به گناه و جهت گیری تأملی.
 - فراغت از هرگونه تکلیف و رسالت دنیوی.
 - کم منزلت بودن کار و توجه به آن صرفاً به جهت گذران حداقلیِ مایحتاج زندگی.
 - ناامیدی از رستگاری به سبب انجام گناه.
 - اتلاف وقت زیاد.
 - عقلانی نبودن باورهای اقتصادی.
 - نگاه منفی به ثروت و سرمایه و تجمیع آن‌ها.
 - قضاوت، معامله و... بر اساس تصمیمات ذهنی و آنی دولتمردان و شخصیت‌های مذهبی - نبودن قانون مدون.
 - قوانین خاص دینی که مانع از توزیع ثروت شود.
 - تمایلات و لذا ایدئولوژی این جهانی - زندگی در حال.
 - اعتبار خرافات و باورهای سنتی غیر عقلانی (قدسیت بخشی به سنت‌ها).
 - کم توجهی به مشاغل تولیدی و صنعتی و اعتبار بخشیدن تنها به کشاورزی و زمینداری.
 - قدسیت نهاد دینی و روحانیون.
 - محدود شدن کنش‌های نسبتاً عقلانی تنها به دسته‌ای معطوف به ارزش‌ها.
 - استیلاي روابط خویشاوندی و قبیله‌ای بر تصمیم‌گیری‌های مختلف.
- با توجه به نظریات یاد شده و شاخص‌بندی‌های ارتباطی و اقتصادی‌ای که از میان نظریات ویر به دست آمد و همین‌طور با مدنظر قرار دادن دو تیپ ایده‌آل و بری تحت عنوان اخلاق پروتستان و اخلاق سنتی می‌توان به مطالعه تاریخ پرداخت. رجوع به تاریخ و توالی‌های مکرر و بررسی و مشاهده کنشگران اقتصادی برای انجام تحلیل اخلاق اقتصادی نزد ایشان از مراحل بعدی کار است.

توصیف اخلاق اقتصادی ایرانیان

با توجه به همان مفاهیم اولیه و تفاوت‌هایی که در انواع اخلاق سنتی و پروتستانی از منظر اقتصادی به دست آمد، و با نظر به مطالعاتی که در میان کتب تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات و دیگر اسناد موجود از آن دوران به انجام رسید، شاخص‌هایی از اخلاق اقتصادی ایرانیان فراهم شد. شاخص‌هایی که روایت‌گر ویژگی اخلاقی ایرانی است.

برای مطالعه رفتار ایرانیان با توجه به قلت کتب و اطلاعاتی که مستقیماً درباره فاعل انسانی سخن بگوید نیاز به مطالعه تعداد بی‌شمار اسنادی بود که هرچه بیشتر به جزئیات توجه داشته باشند، شاید که در این میان بتوان به حقایقی درباره رفتار و اخلاق ایرانیان دست یافت. همین

موضوع عاملی بود که روزنامه‌ها، خاطرات روشنفکران و صاحب منصبان و همین‌طور سفرنامه‌ی کسانی را که در آن روزگار در ایران بودند را برای این مطالعه ارزشمند می‌نمود. سفرنامه‌ها با توجه به دارا بودن یک نگاه از بیرون و دقت و توجه به کوچکترین موضوعات می‌توانست نکات قابل توجهی را در اختیار قرار دهد. اما به جهت پرهیز از درگیر شدن با نگاه منفی مستشرقین و سفرنامه‌نویسان، تلاش شد تنها به موضوعاتی از گفته‌های ایشان اشاره شود که یا به تکرار توسط افراد مختلف اشاره شده و یا توسط اسناد داخلی هم به گونه‌ای تأیید شده است.

در نهایت برای شناخت اوضاع اقتصادی ایران و دریافت وضعیت شکل‌گیری یا فقدان موضوعی چون روح سرمایه‌داری باید به مقایسه و تطابق این اخلاق با دو دسته خلق و خوی نمایای وبری دست زده می‌شد.

جدولی که در زیر می‌آید توصیفی است از وضعیت اخلاقی در دوره مورد مطالعه. طبیعتاً این رفتارها که سازنده و یا برگرفته از اخلاق اقتصادی است در زمینه‌ای از تاریخ و اجتماع قرار می‌گیرد. مقوله‌های یاد شده حتی اگر شامل ویژگی‌هایی که مستقیماً در ارتباط با اقتصاد هستند نباشد، لاجرم به گونه‌ای دیگر بر روی اقتصاد اثرگذار خواهند بود. جدول زیر در راستای مشاهده و توصیف رفتار اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه برآمده است.

جدول 2: مقایسه اخلاق ایرانی و اخلاق پروتستان

مفهوم	اخلاق پروتستان	توصیفی از اخلاق اقتصادی در ایران بر اساس ایده آل ناپه‌های وبری ارائه شده در فصل چارچوب نظری
انسان و خدا	اعتقاد به خدایی فرا دنیوی، نفی جادوگری	اعتقاد به خدای واحد و قادر مطلق و واضح تقدیر و سرنوشت - اعتقاد به فراماده برای رسیدن به شناخت از خدا، جهان، زندگی و سرنوشت دینداری سنتی - خداپرستی بدون تعصبات دینی - اعتقاد و اجرای ظواهر دین مثل خمس و زکات، نماز و روزه، مجالس روضه خوانی و نذری دادن - ترک امور ظاهری باعث ترک اعتبار در جامعه می‌شد. تحویل هر امر به خدا و امام زمان (جایی خارج از خویشتن و جامعه) - حتی فقر و نداری و هر بلایی تحویل به سرنوشت و تقدیر خواهد شد. تلاش برای عرفی کردن دین با کمک مفاهیم دینی و با زبان دینی حتی در دوره مشروطه - در برابر عرف هم شریعت و هم ارباب فرمان می‌دهد. خدا بیش از چارچوب دینی در چارچوب سنتی تعریف می‌شود. لذا مذهب را تنگ نمی‌گیرند و عرف و عادت بر دین غلبه می‌کند.

انسان و طبیعت	سازگاری با جهان از طریق تلاش بی‌وقفه برای کسب فضائل در پیشگاه الهی، آرمان دگرگونی بالنده	دنیا و جهان برایشان حاوی طرد و لذت توامان - در لحظه خوشی کردن و در مجموع به دیده حقارت نگرستن به آن سازگاری با آنچه هست و بی‌تلاشی برای تغییر - عدم پیدایش تخصص و تقسیم کار و در کنار آن وجود حس پذیرش و جایجایی آنچه هست از طریق تقلید - امور هنری و تزئینی جات به این روش رشد کرده است. چهل و ناآگاهی نسبت به اطراف و جهان ماده - سستی در پذیرش علم - بی‌سوادی و عدم مطالعه و آشنایی با اطراف پیدایش فرهنگ کار ایرانی بر اساس موارد یاد شده لذا ضعف اراده، ناموزونی، بی‌مهارتی و تنبلی و اتلاف وقت از آن ناشی می‌شود.
انسان و رهبری دینی	پیامبری سنت و جهان را بدان گونه که هست شیطانی جلوه می‌دهد. انسان به مدد تلاش خود نمی‌تواند به خیر و نیکی دست یابد.	روحانیون آداب و رسوم شناخته شده اجتماعی از دین را نظاره کرده و نمایندگی خدا بر زمین هستند محل رجوع مردم از تولد تا مرگ و مورد مراجعه جهت پرداخت خمس و زکات و... امور اقتصادی ایشان از خلال همین پرداخت‌ها تامین می‌شود. در دوره یاد شده اصالت نزد ایشان در عدم تغییر بوده مگر در شرایطی که حضورشان با مشکل مواجه شده بود. درباره تاسیس مدارس، عدالتخانه و مشروطه مواضع اغلب در راستای تحکیم جایگاه بوده است. ارتباط نهاد دینی و نهاد سلطنت به شکل دائمی و موقت - بسته به پادشاهانی که سرکار بودند. گاهی پادشاه با کسب مشروعیت خود را نماینده خدا بر زمین می‌دانست.
انسان و انسان	تبعیت همه مناسبات انسانی از وظایف انسان در برابر خداوند	روابط انسانی متکی به خانواده‌گرایی افراطی و ترجیح منافع قوم، ایل و خانواده و پذیرش و تعصب در سلسله مراتب ایلی و پذیرش سختی‌های خانواده بر دوش خود. در خارج از خانواده روابط و تعاملات زیاد و در این تعاملات ادب ذاتی و افراطی رعایت شده اما ظاهر و درون متفاوت و رفتارها منافقانه - نبود کار تیمی و سهم بری و تعاون. در جریان این ارتباطات بیرونی بسته به نفع شخصی و خانوادگی دارای روحیه فریب و دلال صفتی و نیرنگ - رفتاری که از طرف هم‌تایان مورد پذیرش و تشویق قرار می‌گیرد. نبودن زمینه عمومی تعامل و لذا عدم شکل‌گیری اخلاق عمومی - نبودن آزادی در رفتار بر اساس خصلت ذاتی دارای همراهی با هم ردیف و تکبر با پایین‌تر و خضوع با بالادست به عنوان اصل.
انسان و سرنوشت	خویشتن داری هوشیارانه به منظور مهار طبیعت شروانه، انشا و تحقق اراده الهی	باور به سرنوشت مقدر و افعال و بی حرکتی و باور به بی تأثیری در آینده هستی - تلاش برای زیستن در لحظه حال و تلاش برای فهم مقدرات از طریق توسل به فراماده و یا رویابافی. تلاش برای رسیدن به رستگاری اخروی از طریق خویشتن داری در برابر خواست‌های مادی - در مقابل برخی خویشتن داری ظاهری برای حفظ آبرو و اعتبار می‌کنند. وجود فرهنگ انتظار و مهدویت و تحویل جهان به منجی و تفسیر غالباً غیر حرکتی از مفهوم انتظار.

<p>نبود قانون و توافقات عقلانی از پیش مشخص و ناامنی نسبت به مالکیت - احترام به قانون نیست ولی پول برای صرف شخصی احترام دارد - زمینداری صرفه اقتصادی دارد. علاقمندی به مشاغل بدون زحمت و پول درآوردن‌های خارج از قاعده - مشاغلی مانند خدمتکاری و مزدگیری دولتی. روحیه مصرف‌گرا و تجمل‌گرایانه صرف فارغ از هرگونه تلاش و دنبال سودجویی آنی بودن - تجمع ثروت برای مصرف خوب و نه برای پس‌انداز و تولید. متکی به محدود سرمایه‌های غیر ریسکی برای گذران زندگی و علاقه به وام و قروض و بی‌اخلاقی در پرداخت دیون و عهدها - حمایت عموم از مظلومین و بدهکاران. استیلاي روابط خانوادگی در کار.</p>	<p>قانون و توافق عقلانی به مثابه مبنای معاملات تجاری، کانون‌ها و انجمن‌های داوطلبانه، قانون و تشکیلات اداری عمومی ثروت به مثابه وسوسه و نتیجه جنبی یک زندگی توام با فضیلت</p>	<p>انسان و سرمایه (اقتصاد)</p>
<p>اعتماد تنها داخل خویشاوندان و قبیله و ایل معنا دارد و بی‌اعتمادی گسترده و نه در ظاهر نسبت به مابقی وجود دارد. - بدبینی و توهم از خصائص ایشان نسبت به غیر است. مالکیت زمین علیرغم نبودن قانون ثبت، به شکل حداقلی تبدیل به عاملی برای وثیقه‌گذاری و تبدیل شدن به سرمایه نمادین سرمایه نمادین منفی مثل پارتی بازی، رشوه و... در داخل نهادها جریان داشته است. بازار به تنهایی نهادی دارای سرمایه‌های نمادین است که در مبارزات استفاده می‌شود.</p>	<p>اعتماد به همه برادران دینی</p>	<p>سرمایه نمادین</p>

تعامل انسان با خدا

یکی از مهم‌ترین تعاملاتی که انسان ایرانی یا دینی دارد تعاملش با خداست. در واقع این تعامل است که تا اندازه زیادی بر روی باورها و رفتار دینی افراد تأثیرگذار است. شناخت جایگاه خدا در زندگی ایرانیان به نظر می‌رسد از جهات متعددی برای یافتن رفتار اقتصادی ایشان تأثیرگذار باشد. خدای ذهن فاعل ایرانی خدایی فرادنیوی است. اما این خدای واحد در این دنیا نیز قادر مطلق است. خداوند وضع‌کننده تقدیر و سرنوشت ایرانیان است و هرچند که درباره تقدیر و جبر و اختیار آموزه‌های متعددی در تعالیم اسلامی وجود دارد، اما عینیت بروز یافته از این تعالیم در واقع تصویرگر خدایی است که سرنوشت و تقدیر انسان‌ها در دست اوست. اوست که در مقدراتش خیر و شر، گرفتاری و بلا، گشایش و آسایش و یا فقر و رفاه را معلوم نموده است. خدایی که حتی در کوچکترین فعالیت‌های روزمره زندگی جریان دارد و سرنوشت‌ساز است. باور تقدیرگرایی یک پنداشته عام بود که بین عامه مردم و تجار و یا حتی روحانیون در گرایش به این باور تفاوتی وجود نداشت. تجار نخبه و بزرگ آن دوران نیز در توجیه کسادی بازار و نبودن پول، تقدیر یا خواست الهی را عنوان می‌کنند و وسیله دفع این مشکل اقتصادی را در دعا و نذر و استغاثه به درگاه الهی می‌داند (ترابی، 1384: 72).

این باور تا بدانجا پیش رفته که در بین برخی از ایرانیان حتی اندک تلاشی برای تغییر در اتفاقات ناخوشایند نیز دیده نمی‌شود. به عنوان مثال به تصویری که هانری رنه دالمانی درباره مواجهه برخی از ایرانیان با بهداشت و بیماری می‌توان اشاره کرد:

«در میان ایرانیان کودکان نوزاد نیم عریانی نیز دیده می‌شوند که وسائل بهداشت ابتدایی هم برای آنان فراهم نشده است. این موجودات کوچک از کودکی رنج می‌کشند و مبتلا به چشم درد و امراض دیگر می‌گردند و چون والدین آن‌ها معتقد به قضا و قدر و نصیب و قسمت هستند، درصدد معالجه آن‌ها بر نمی‌آیند و می‌گویند هرچه مقدر شده همان خواهد شد و سرنوشت کسی را نمی‌توان تغییر داد. علت اصلی بی‌اعتنایی و عدم مراقبت آن‌ها همین اوهام است و نمی‌توان گفت که پدر و مادر علاقه‌ای به فرزندان خود ندارد» (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۵).

چنین سرنوشت مبهمی که به تمامی به دست پروردگار رقم می‌خورد، نه نیاز به حرکت و فعالیت که نیازمند شناخت منفعلانه است. شناختی از سر کنجکاوای‌های انسانی برای اینکه در این طالع چه چیزی رقم خورده است. شناخت چنین سرنوشتی نیز توسط اموری فرامادی تنها میسر خواهد شد.

از این روست که هرچه در تاریخ جلو می‌رویم و مشاهده می‌کنیم پرداختن به استخاره و فال و نجوم برای شناخت صحت و سقم حرکت‌هاست. اینچنین است که در ایران دوره قاجار کاری انجام نمی‌شده جز با گرفتن تقویم و سعد و نحس ایام. جالب اینجاست که این ماجرا هیچ قاعده‌ای هم نداشته است. از شاه مملکت گرفته که برای حرکت و سفر خویش تقویم می‌دیده و حتی در موقع تاجگذاری سلاطین هم این نکته باید کاملاً رعایت شود و در ساعت سعدی انجام می‌شده (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۴۶) تا بازاری و تاجری که مدام حتی برای زمان معامله‌اش استخاره می‌کرده و توده‌ی مردمی که برای خوش‌یمن بودن زمان استفاده از جامه‌ی جدیدشان نیز به دنبال ساعت خوب آن بوده‌اند. آن‌ها «بدون مشورت با منجمان نه به سفر می‌روند و نه به کار مهمی دست می‌زنند. منجمان اول باید وضع گردش ستارگان را بررسی و با توجه به اهمیت موضوع نظر خود را اعلام کنند. این منجمان گاهی در مسائل پزشکی هم دخالت می‌کنند» (تانکوانی، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

همین باور باعث می‌شود که دست به یک سری افعال هم بزنند. افعالی که با هیچ منطقی قابل توجیه نیست ولی ایشان بر این باورند که اگر با اعتقاد انجام شوند، نتیجه خواهند داد (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۴۲).

در کنار باور به خدای واحد مقوله‌ای به اسم دینداری نیز مهم به نظر می‌رسد. دینداری در اسلام بیشتر به تعبد و بندگی و گردن نهادن به قوانین و دستورهای اسلامی تعریف می‌شود.

هرچند که تعبد و دینداری دارای یک پوسته و ظاهر بیرونی و یک ایمان و یقین درونی است. آنچه در روایت‌ها از دینداری ایرانیان گفته می‌شود بیشتر یک دینداری سنتی است. دینداری‌ای که تحت تأثیر عرف و فرمان ارباب هم می‌تواند باشد. دینداری فارغ از هرگونه تعصبات دینی. در واقع به گونه‌ای خداپرستی بدون تعبد را نزد ایرانیان روایت کرده‌اند. «انکار وجود خدا در میان ایرانیان خیلی به ندرت یافت می‌شود ولی خداپرستی بدون دینداری بسیار رایج است. و این نوع طرز تفکر که مخصوصا در بین طبقات بالای اجتماع به کرات دیده می‌شود به صورت یک لاقیدی مذهبی تجلی می‌کند که البته دوامی ندارد و غالبا بعد از گذشت مدتی - در زمان پیری - صاحبان اینگونه عقاید به مرام اولیه خود و پیروی از اصول مذهبی رجعت می‌کنند» (لیدی شیل، 1368: 152).

البته اینگونه نیست که رفتارهای دینی در کردار ایرانیان نمایان نباشد. در واقع آنچه درباره رفتار دینی ایشان روایت شده ناظر بر این موضوع است که دینداری در میان ایشان وقتی به امور ظاهری مرتبط می‌گردد با جدیت و حمیت زیادی پیگیری می‌شود. اموری مانند خمس و زکات که در ارتباط مستقیم با روحانیت در آن روزگار است، یا برپایی نماز و روزه و اقامه مجالس عزا در زمان‌های خاص و بر ذمه گرفتن نذورات متعدد از جمله اموری است که بسیار بدان اهمیت می‌شده است. اموری که ترک آن‌ها به گونه‌ای عاملی برای طرد اجتماعی نیز می‌توانست باشد (شهری، 4، 1371: 279). اما آنجا که به دینداری در خفاء باز می‌گشت بسیار درباره سهل گرفتن‌های افراد آمده است. دینداری‌ای که حتی بر خود محرمات را حلال و واجبات را ترک می‌گوید.

«ایرانی‌های حالیه با وصف تعصب مذهبی چندان قیدی به اجرای قواعد و رسوم ندارند. مذهب آن‌ها بیشتر شبیه است به لباس گشادی که در هر حال به کار می‌خورد و تنگ نمی‌گیرند و به منزله علامت یک فرقه ایست نه این که مذهبی باشد که زندگانی و اخلاق مردم از آن رو به راه درستی آید. ولی رفتار ایرانی‌ها در این مسئله غرابت ندارد و نباید گمان کرد که چون آنچه را باور نمی‌کنند مجری می‌نمایند. پس عمل آن‌ها ریا و تزویر است بلکه در جمیع مذاهب همین طور است. و بعد از تعصب اولی، مذهب کم کم منحصر می‌شود به عادات و رسوم ظاهری» (بنجامین، 1363: 145).

اما نکته‌ای که در این میان وجود داشته و دارد نحوه مواجهه با "خدا" است. خدای سنتی‌ای که در باورها جریان دارد و در زندگی‌ها دیده می‌شود. خدایی که آرام آرام به عرصه سنت ایرانی وارد می‌شود و زمینه‌ای می‌شود که با عرف و عادت تلفیق گشته و تساهل در دینداری را به ارمغان آورد.

دینداری آنچنان با سنت می‌آمیزد که آرام آرام تفاوت قائل شدن میان دینداری و عادت کاری بس دشوار می‌نماید. در چنین شرایطی به راحتی جای هر امر دینی با امور عرفی و عاداتی

تعویض می‌شود و پیامد این امر قدسی شدن برخی سنت‌ها و عاداتی است که شاید تنها به دینداری شناخته‌شده و نشانه‌ای از امور دینی هم نداشته باشد.

تعامل انسان با طبیعت و هستی

یکی دیگر از زمینه‌های تعامل ارتباطی است که بین انسان با طبیعت یا جهان هستی برقرار می‌شود. آنچه وبر درباره اخلاق پروتستان نشان داده است عبارت از نوعی سازگاری با جهان از طریق تلاش بی‌وقفه برای کسب فضائل در پیشگاه الهی بوده است. اما با توجه به نوع تعاملی که انسان ایرانی با خدا و باور به سرنوشت برقرار می‌کند نمی‌توان انتظار فعالیت و تحرک را در راستای ساخت جهان انتظار داشت. حس ایرانی نسبت به جهان هستی حاوی طرد و لذت توامان است. در واقع با توجه به خصائص تقدیرگرایانه‌ی ایرانی می‌توان به نوعی خوشی لحظه‌ای و تحقیر دائمی از جهان و زندگی مادی نزد ایرانیان دست یافت. وقتی جهان و طبیعت موضوع علاقه و انگیزه برای کار نباشد نمی‌توان انتظار داشت که کنکاش، شناخت و هرگونه تغییری در اصول و قوانین مصرح در این جهان ارزشمند به نظر برسد. این جهان تنها به کار استفاده‌های آنی و خوشی‌های لحظه‌ای می‌تواند بیاید. ایرانی جماعت میل به تفریح و گلگشت در طبیعت را بسیار داشته و علیرغم تمام سختی‌های راه بسیار سفر می‌کرده، سفرهایی که در رأس آن‌ها سفرهای زیارتی بوده است.

«یکی از تفریحات مهم ایرانی به تفرج رفتن دسته جمعی است در دشت و صحرا و در سایه درختانی که چندان فراوان نیست با صرف مقدار متناهی شیرینی‌های خوشمزه و چای تازه دم. در این گردش‌ها زنان نیز شرکت می‌کنند اما همیشه در حوزه خانواده» (دلریش، ۱۳۷۶: ۷۱).

همین نوع نگاه زمینه‌ای برای دوری گزیدن ایرانیان از تحصیل سواد و آموختن علم تجربی است. در واقع می‌توان اینچنین بیان نمود که تا زمانی که جهان به عنوان یک امر بیرونی برای ایشان موضوعیت پیدا نکرده بود، تحصیل علم فی‌نفسه دارای ارزش نبود و از علم تنها به خواندن و نوشتن اکتفا می‌کردند. همین امر عاملی برای جهل مفرط نسبت به جهان و ماده در دوره مورد مطالعه شده است. این موضوع دامنه‌ای فراگیر دارد و در بین کلیه طبقات اجتماعی جاخوش کرده است.

« تاجر ایرانی سواد ندارد، کتاب نمی‌خواند، روزنامه نمی‌خواند، سفر می‌کند، سررشته در محصول به عمل آوردن ندارد که آن را چگونه به کاربرد، روحش خبر ندارد ایران به چه محتاج است، حیران است چه برای مملکت بد است، از فهم آن عاجز است، تاجر ایرانی حساب ندارد، خودش هست و ریش و توپی و اشرف‌الحاج روی اسمش و مجلس روضه

خوانی سرسالش، دیگر چه دارد، شاید میل هم ندارد که چیزی بداند، در این حال این هیکل عبارت است از یک عمامه آب طلاکاری و یک ریش انبوه مشکبوی یا قرمز، سر و قد خمیده در قبای سه چاکبای با صورتی عبوس و به خیال خودش موقر، آیا توقع دارید تجارت ایران بهتر از این باشد؟» (حبل المتین، سال ۳۳).^۱

نبودن علم و سواد در جای خود به نوعی زمینه‌ای برای شکل نگرفتن تخصص در جامعه می‌شود، عاملی که می‌تواند مؤید تقسیم کار در عرصه صنعت و تکنولوژی نیز باشد. وقتی بداعت و خلاقیت به دلیل آشنا نبودن با جهان ماده از جامعه‌ای رخت بریندد، توان و انرژی مردمان آن سرزمین به نوعی معطوف به تقلید از آنچه دیگران دارند و می‌تواند برای زندگی مورد استفاده قرار گیرد و یا زمینه‌ی زیبایی‌شناسانه داشته باشد، می‌شود. از این‌روست که در تعاملی که ایرانیان با جهان بیرون برقرار نموده‌اند هرگونه تقلید از صنایع و یا امور طبیعی ارزشمند قلمداد شده و ایرانیان در آن صاحب مهارت شده‌اند. علاقمندی و مهارت مؤکد ایشان در زمینه خلق آثار هنری ناشی از این امر می‌تواند باشد. «ایرانی قوه ابداع چندانی ندارد اما در کار تقلید سخت کوشاست. او زود مطلب را میگیرد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۸).

موضوعیت عدم تلاش برای تغییر جهان و ماده اطراف در کنار تقدیرگرایی مفرط ایرانی فرهنگی را ایجاد نموده که مختص ایشان است و با "کار به مثابه ارزش" وبری که در آموزه‌های لوتوری به آن اشاره شده بسیار متفاوت است. آنچه از سر انفعال در هر تغییر عاید انسان ایرانی شده بی‌تلاشی، تنبلی، گذراندن اوقات فراغت به بطالت، بی‌مهارتی، ضعف اراده و ناموزونی است. خصائصی که مستقیماً می‌تواند بر روی امور اقتصادی در جامعه‌ای تأثیرگذار باشد.

«در ایران یک معامله شیئی ساعت‌ها طول می‌کشد و احياناً خرید چند ذرع پارچه از صبح تا ظهر دوام پیدا می‌کند و در طی این مدت فروشنده و مشتری مرتباً با هم حرف می‌زنند و گاه اتفاق می‌افتد که مطلقاً از اصل موضوع خارج شده‌اند و فروشنده برای مشتری روایات تاریخی و سرگذشت‌های باستانی و ضرب‌المثل‌ها و حکایات و افسانه‌ها را نقل می‌کنند. این طرز معامله با منطق اروپایی که برای وقت قایل به قیمت و اهمیت است جور در نمی‌آید ولی با منطق ایرانی موافقت دارد زیرا این ملت یعنی توده برای زندگی این دنیا و قیمت وقت و غیره اهمیتی قالی نیست و فقط برای دنیای دیگران قالی به اهمیت می‌باشد.

... از همان آغاز کودکی این ملل دنبال چیزهای نامعلومی می‌روند که متعلق ره این دنیا نیست و شاید در دنیای دیگر هم یافت نشود ولی در عوض برای یافتن این چیز موهوم و نامعلوم همه حقایق مادی حسات را مهمل می‌گذارند» (دوگوبینو، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

تعامل انسان با رهبری دینی

یکی از ویژگی‌هایی که وبر درباره رهبری دینی در اخلاق پروتستان مطرح می‌کند این نکته است که پیامبران سنت جهان را شیطانی معرفی کرده و نیاز به رهبری دینی را برای طی این طریق ضروری می‌دانند. این نوع نگاه که در جهان ناشناخته‌ای که آینده آن چندان معلوم نیست و آموزه تقدیر به مدل‌های مختلف - چه در آموزه‌های پروتستان و چه در آموزه‌های اسلامی - وجود داشته است، وجود رهبران دینی را ضروری ساخته است. رهبرانی که مؤید و ضامن آینده و آخرتی سعادت‌مند باشد، از این روست که روحانیون به عنوان نمایندگان دینی در جامعه ایرانی نیز دارای جایگاه ویژه‌ای بودند.

ایرانیان از زمان تولد تا زمان مرگ در ارتباط با روحانیون قرار می‌گیرند و حتی در امورات مربوط به اقتصادیات دینی چون خمس و زکات، این طبقه حضور فعال دارند. بخش زیادی از فعالیت‌های اقتصادی که زمینه‌ی دینی دارند توسط روحانیون به انجام رسیده و همین امر تضمین اقتصادی نهاد روحانیت را نیز برعهده گرفته است.

جایگاه و اعتبار این طبقه تا حدی است که پادشاه نیز مشروعیت خویش را از ایشان کسب می‌کند و تلاش می‌کند همواره تأییدکنندگانی از این گروه نزد خویش داشته باشد. میزان نزدیکی سلاطین به روحانیون و تعامل بین ایشان در دوره‌های متفاوت کاملاً مختلف بوده است. همانطور که روحانیون در نزد مردم نمایندگان خدا بر زمین شناخته می‌شدند به همان میزان پادشاهانی که از ایشان مشروعیت کسب می‌کردند نیز خود را به گونه‌ای زعامدار امور دینی در جامعه می‌دانسته‌اند. این موضوع در دوره‌های متفاوت تفاوت‌های فاحشی دارد و در دوره مورد بحث به دلیل مقابله و انتقاد روحانیون از شاه این امر به سطح پایینی تنزل کرده بود.

روحانیون در دوره مشروطه به عنوان یکی از حامیان مهم مشروطه قلمداد می‌شدند. باور به اینکه هرگروهی که در جریان مشروطه از آن دفاع کرده به طمع و بخاطر خواست و باور شخصی یا گروهی خود بوده، نمی‌تواند از اهمیت و جایگاه این گروه در پیدایش مشروطه بکاهد. هرچند عاملی که به گونه‌ای باعث انحلال و اضمحلال مشروطه شد و اولین جرعه مخالفت‌ها و چند دستگی‌های مشروطه‌خواهان را زد، بازهم حضور روحانیون مشروعه خواه و دسته‌بندی و صف‌کشی‌های ایشان بوده است.

نکته‌ای که باید در این رهگذر از نظر دور نداشت تنوع و تفاوت‌های موجود در میان روحانیون بوده است. طیف روحانیون از مراجع تقلید بزرگ تا روضه‌خوانان و سادات و طلاب مدارس علمیه را دربر می‌گرفته است. تحصیلات دینی طولانی اما کم هزینه بود و بستر اصلی تغییر رتبه اجتماعی به حساب می‌آمد (کدی، 1381: 58) از این رو عاملی برای حضور افرادی در میان روحانیون شده بود که چندان بهره‌ای از سواد نداشته‌اند.

«و چون مقام روحانیت اهمیت بسیار داشت و مورد تکریم عامه و احترام دولتیان بود و در کلیه امور مداخله داشت هر سال هزارها نفر از زارعین و کشاورزان دهات و کسبه دست از کار خود کشیده و در جرگه طلاب علوم دینی در می‌آمدند و از این راه تفوق و برتری بر دیگران پیدا می‌کردند و برای رسیدن بدان مقام کافی بود که مرد بی‌سوادى ریش بلندی گذارده عمامه بزرگی بر سر و عبایی بر دوش گیرد و در مجالس درس و حوزه‌های علمیه هلمای بزرگ برای درک و فهم علمی که بحث شد و بیست سال تحصیل لازم داشت وارد شود بدون آن‌که کسی از معلومات آن‌ها سؤال کند یا مورد اعتراضی کسی واقع شود» (ملک‌زاده، 1383: 21).

تعامل انسان‌ها با یکدیگر

روابط انسانی زمینه‌ساز شکل‌گیری کنش‌های اجتماعی و باعث پیدایش نهادها در سطح جامعه است. در جامعه‌ای مانند جامعه پروتستان انسان به خاطر انسان بودن ارزشمند است و تعاملات انسانی بخاطر انجام وظایف الهی بر روی زمین معنادار است. در این جامعه بخاطر روابط و تعاملات خارج از چارچوب‌های قومی و قبیله‌ای حقوق و تکالیف افراد در قبال هم به مرور تعریف می‌شود و از آن می‌توان به آموزه‌های حقوق بشر و یا برابری خواهی دست یافت. آموزه‌هایی که در نهایت منجر به پیدایش اخلاق عمومی برای مواجهه‌های انسانی می‌شود. اما اگر روابط انسانی بیشتر در غالب خانواده، قبیله، ایل و دیگر گروه‌هایی که فرد در آن‌ها حضور دارد تعریف شود، در این صورت تمامی روابط در راستای پیدایش یک قدرت مرکزی در مقابل آنچه در بیرون وجود دارد بسیج خواهد شد. در واقع تمامی روابط به منافع خانوادگی و یا ایلی و قبیله‌ای تقلیل داده خواهد شد. در چنین فضایی است که تعصبات خانوادگی و قومی نیز رخ می‌نماید. این تعصبات هم در برابر هجوم خارجی و هم در برابر هرگونه تغییر در عادات و آداب و سلسله مراتب داخلی خود را نشان می‌دهد. فارغ از این فضا انسان ایرانی خصوصاً در جامعه‌ی شهری مراوداتی اجتماعی رانیز داشته است. این مراودات بیش از حد انتظار است. تعامل، ملاقات، گپ زدن، بذله گویی و خوش گذراندن در کنار یکدیگر اصلی است که در مراودات روزانه رعایت می‌شود. یک ادب ذاتی و افراطی در صورت این ارتباطات نشسته است.

« اهالی تهران عموماً مردمانی شوخ و بذله گو و خوش صحبت هستند و بذله گویی و شیرین زبانی خود را در هیچ حالتی از دست نمی‌دهند... حتی تاجر موفق کسی است که خصوصیات و روحیه نژادی ایرانی‌ها را صد در صد داشته باشد، یعنی خوش صحبت، بذله گو و شوخ طبع باشد و تاجر ایرانی غالباً این طور هستند و در بازار مرتب مشغول

بذله گویی و تعریف حکایات خوشمزه و لطیفه هستند و به همین جهت هم تجار ایران در مقایسه با تجار کشورهای دیگر در کار خود موفق هستند» (بروگش، ۱۳۸۹: ۱۸۴-۱۸۳).

اما اگر از صورت و ظاهر کمی دور شویم، در کنه و باطن روابط انسانی فرصت‌طلبی‌های فردی در راستای منافع جمعی را می‌توان دید. آنجاست که صفات حیله‌گری، دغل‌کاری، توسل به دروغ و انواع این خصایص خود را نمایان می‌سازد. خصایصی که از توهم و بدبینی نسبت به اطرافیان و غیر حساب کردن انسان‌های خارج از محدوده خانواده و قوم به وجود می‌آید. میزان این بدبینی و یا برخورد خاص با افراد بسته به دوری و نزدیکی و میزان مرآورده و یا مسئله‌ای به نام نان و نمک خوری یا رودربایستی تعریف می‌شود. با توجه به آنچه از روابط ایرانیان به دست داده شد می‌توان دلیل عدم توانایی ایشان در انجام کارهای تیمی و یا سهم‌بری را نشان داد. بسیاری از سیاحان از بدبینی فطری ایرانیان نسبت به تعاون و کار تیمی سخن گفته‌اند (فلور ۱۳۶۵: ۹۹). از این‌روست که در میان ایشان کسب و کار مشترک در محدوده خانواده‌ها و در راستای نفع خانوادگی معنا دار است.

تعامل انسان و سرنوشت (هدف از خلقت)

ویر هدف از خلقت را در آموزه‌های کالونی خویشتن‌داری هوشیارانه به منظور مهار طبیعت شروانه و انشاء و تحقق اراده الهی تعریف کرده است. اما همانگونه که در رابطه و تعامل انسان با خالق هستی یادآوری شد، موضوع یک سرنوشت از پیش مقدر در این دنیا در سطح فردی و یک آینده‌ای با حضور منجی در سطح عمومی شرایط را در باورهای ایرانی به سمت یک بی‌عملی خواهد برد. از سوی دیگر آنچه در آموزه‌های دینی تبلیغ می‌شود، بهترین هدف از حضور در این جهان را رستگاری اخروی معنا کرده‌اند. این رستگاری از طریق افعال دینی و رفتارهای فردی می‌تواند محقق شود و مابزه‌ای اجتماعی آن در صورت وجود نیز چندان در میان عامه مردم جدی گرفته نشده است.

این بی‌عملی و انفعال و این تحقیر زندگی مادی در برابر رستگاری اخروی به گونه‌ای زیستن در لحظه‌ی حال را در میان ایرانیان به ارمغان آورده است. از همین‌روست که توسل به فراماده، خیالبافی و رویابافی مشاهده شده در میان ایرانیان نیز قابل تبیین خواهد شد.

رابطه انسان و سرمایه (اقتصاد)

"ثروت به مثابه وسوسه و نتیجه جنبی یک زندگی توأم با فضیلت" باوری است که به زعم وبر در میان پروتستان‌ها ریشه دوانده است. اما در جامعه ایرانی آنچه واضح است ثروت یا پول برای

استفاده شخصی ارزشمند است، اما از آنجا که منابع در جامعه محدود به نظر می‌رسد و تولید و ارزش افزوده چندان خود را نشان نمی‌دهد، از این رو همین ثروت در نزد دیگری - جز خود فرد - می‌تواند امری مذموم باشد و حتی نشانه‌ای از رفتار غلط اقتصادی صاحب مال. از این رو یکی از ویژگی‌های ایرانیان پنهانکاری در زمینه به نمایش درآوردن میزان ثروت و به نوعی مدفون کردن ثروتشان است. روش دیگر اقتصادی که در برابر ثروت و سرمایه برمی‌گزینند مصرف بی‌رویه آن است. مصرفی که به مرور خاصیت تجملی نیز به خود گرفته است.

«ایرانی صرفه جو نیست. او در نحوه استفاده از پولی که به دست می‌آورد مانند اروپایی‌ها به خصوص انگلیسی‌ها عمل می‌کند، و ترجیح می‌دهد به جای پس انداز کردن، پولش را خرج خوب خوردن و خوب پوشیدن بکند. فقیرترین فرد ایرانی خوب می‌خورد و خوب می‌پوشد. به جز در بین فقیرترین رعایا و گروه کثیر گدایان حرفه‌ای کمتر کسی را با ظاهری ژنده پوش می‌بینیم. فرد ایرانی خواسته‌های متعدد و گوناگونی دارد و در زندگی به مسائل تجملی و ظاهری اشتیاق فراوان نشان می‌دهد» (گزارش هیات بازرگانی هند، ۱۳۷۳: ۱۳).

باور به تجمیع ثروت بخاطر مصرف بهتر آنقدر جریان دارد که از هرفرصتی برای بهره بردن از اموال و امور مادی باید استفاده کرد. سنت قرض یا وام گرفتن در هر فرصتی، از جمله خصایصی است که بسیار بدان اشاره شده است.

«ایرانیان به قدری در فکر وام هستند که وقتی یک گوشواره و یا دست بند و یا قالیچه خریداری می‌کنند قبل از همه چیز فکر می‌کنند که آیا در مورد لزوم می‌توان آن شیء را فرو گذاشت و یا فروخت و به زبان ساده به پول تبدیل کرد» (گوبینو، ۱۳۸۵: ۳۸).

وام‌هایی که بخاطر عادت به بدعهدی ایرانیان در قبال وثیقه‌های سنگین داده می‌شود و اغلب دارای رباهای زیادی است. هرچند که ربا در شرع اسلام حرام شمرده شده اما ایرانیان راه‌هایی را برای موجه جلوه دادن آن پیدا کرده‌اند. سودجویی آنی از جمله خصائص جمع‌کننده موارد بالاست. ایرانیان تاجایی که می‌توانند در بازپرداخت این دیون خویش طفره می‌روند و به بدعهدی در این زمینه شهره هستند.

زمینداری و مالکیت زمین امری است که در ایران در همواره تاریخ ارزشمند شمرده می‌شده است. صرف مال در زمین بهتر از دفن آن‌ها در زمین نزد بازرگانان قلمداد شده و لذا ما صاحب طبقه تاجر زمیندار، کارمندان زمیندار، مزدبگیران زمیندار و... هستیم.

همانگونه که گفته شد فرهنگ کار در ایران زمینه‌ساز تبلیغ بی‌عملی شده است، از این روست که مزدبگیری مطلوب‌ترین شغل برشمرده می‌شود. مزدبگیری امکان امتناع از کار را در قبال به‌دست آوردن پول فراهم کرده است. پولی که می‌تواند با انعام، رشوه و اموری از این دست

چشم‌گیرتر هم به نظر آید. مشاغلی چون خدمتکاری یا کارمندی دولت جزو این دسته از مشاغل به حساب می‌آیند.

«در ایران خدمتکاری خواهان دارد و بخش زیادی از افراد سرشناس نیز از خدمتگذاری به مدارج بالاتر رسیده‌اند. به دست گرفتن خدمات به عنایات شخصی بستگی دارد و اگر مخدوم را از خادم خوشش آید به شایستگی و کاردانی نیازی نیست» (دوروشوار، 1378: 100).

سرمايه نمادين

مهم‌ترین فاکتوری که درباره سرمایه اجتماعی می‌توان در روابط و تعاملات انسانی بدان اشاره کرد، موضوع اعتماد اجتماعی است. وبر در اخلاق پروتستان اعتماد به همه برادران دینی را عنوان کرده است. آموزه‌ای که سومبارت آن را ویژگی خاص اخلاق یهود هم می‌داند. اما به نظر می‌رسد این ویژگی در میان ایرانیان در غالب اعتماد به اعضای خانواده، قوم، قبیله یا ایل خود را نشان داده است.

در واقع اعتماد اجتماعی به شکل درون گروهی وجود داشته و در نوع برون گروهی آن دیده نمی‌شود. طبیعتاً نبودن سرمایه‌های اجتماعی خود می‌تواند زمینه پیدایش برخی از تمتع‌های اقتصادی را سلب نماید.

اما اگر از مفهوم سرمایه نمادین تنها به دنبال سرمایه اجتماعی نباشیم و کلیه اموری که می‌توانند به گونه‌ای تبدیل به سرمایه شوند را در نظر بگیریم، (دوسوتو، 1385) می‌توان به مالکیت غیر ثبت شده زمین در ایران اشاره کرد. مالکیتی که هر چند دستخوش حوادث قرار گرفته است، اما در نهایت ریشه و اصلوب آن باقی مانده و تنها چیزی که باعث خرد شدن و شکسته شدن‌های مالیکت بوده ورشکستگی‌ها و یا قانون ارث در اسلام بوده است.

برخی نهادهای موجود در جامعه نیز می‌توانسته‌اند فراتر از کارکردهای نهادی خود عمل نمایند. به عنوان مثال نهاد بازار یکی از این نهادهاست. نهادی که بیش از تأثیرات اقتصادی ناشی از روابط اقتصادی در جامعه حضور داشته و نقش بازی می‌کرده است. می‌توان به نقش این نهاد در شکل‌گیری نهضت مشروطه اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

مشروطه یکی از بی‌شمار وقایعی است که بر ایرانیان رفته و خود معلول اتفاقاتی بوده که بر اخلاق و فرهنگ ایرانی تأثیرات خود را گذاشته است. ارزش و اعتباری که به اقتصاد داده می‌شود و تلاشی که برای گسترش نهادهای اقتصادی در این دوران رخ می‌نماید، این دوران را

به زعم برخی از تحلیل‌گران تاریخی به دورانی با پشتوانه‌های اقتصادی تبدیل کرده است. از این‌روست که اگر قرار بر بررسی رفتار و خصوصیات اقتصادی ایرانیان باشد، این دوران یکی از بهترین زمان‌ها برای بررسی این مهم از خلیقات سوژه‌ی ایرانی است. فاعل شناسایی که به دلیل بی‌قدرتی و بی‌نفوذی محذوف اغلب تاریخ‌نگاری‌ها قرار می‌شود و یافتن حقایق درباره‌ی نوع زندگی و نحوه‌ی سلوک ایشان جز با بیرون کشاندن جزئیات از دل اسناد موجود امکان‌پذیر نخواهد بود.

از جمع‌بندی خلیقات روایت شده برای ایرانیان و دسته‌بندی آن‌ها به جهت تبیین بهتر می‌توان چنین برداشت کرد که اخلاق اقتصادی ایرانی آمیزه‌ایست از تقدیرگرایی، سازگاری، محافظه‌کاری و امنیت‌خواهی.

معجونی که کلیه رفتار و کنش‌های ایرانی را تبیین خواهد نمود. اگر قرار باشد نه با عینک بدبینی و بدگویی به فرهنگ ایرانیان - همانگونه که مدنظر بسیاری از شرق‌شناسان است، که به جهت توصیف و تبیین شرایط آن روزگار به تاریخ نظر افکنیم، به خصائص بالا برمی‌خوریم. این چهار مورد می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری بسیاری از مواردی باشد که در جدول خلیقات ایرانیان بدان‌ها اشاره شده بود. مواردی که هر کدام می‌تواند بخش زیادی از خصوصیات ایرانیان را تبیین نماید. خصائصی که تا حدودی در نزدیکی سنخ آرمانی سنتی مورد نظر و برقرار گرفته و از روش و منش کالونی - پروتستانی فاصله زیادی دارد. هم در مفهوم سرنوشت مقدر و بی‌عملی، هم در مفاهیم مربوط به کار و تلاش و هم در نوع مصرف و پس‌انداز، تفاوت‌های بسیاری با این اخلاق دیده می‌شود. اینچنین است که اگر قرار باشد نسبت به رواج توسعه و رشد و شکوفایی صنعت و اقتصاد در جامعه حساس بود، نمی‌توان بدون تامل بر فرهنگ و اخلاق و باورهای خاصی که زمینه‌ساز رشد اقتصاد هستند بدان دست یافت.

در واقع اگر به دنبال پاسخی در راستای نظرات وبر به پرسش اولیه‌ی این مقاله باشیم می‌توان خصوصیات یادشده را به عنوان فرهنگ و اخلاق غالب ایرانی برشماریم. مفاهیمی که خود در تناقض با اخلاق پروتستانی و ویژگی‌های آن قرار می‌گیرد و این خود می‌تواند زمینه‌ساز شکل نگرفتن روح سرمایه‌داری باشد. خصلت ویژه‌ای که به فرهنگ و باور و آداب و عادات ایشان باز خواهد گشت و امکان نقد و بررسی روند توسعه در کشور را نه به شکل و شیوه سخت‌افزاری که به شکل نرم افزاری به دست خواهد داد.

وقتی فرهنگ به‌گونه‌ای که موسع توسعه باشد در جامعه خود را نمایاند، کاری از دست صنعت و تکنولوژی به تنهایی برنخواهد آمد. در طول تاریخ به کرات شاهد بروز صنایع نوین و تکنولوژی با معنای عام آن بوده‌ایم، اما جدا کردن تکنولوژی از علم مورد نیاز آن‌ها که به منزله روح عمومی آن می‌باشد، چیزی است که رادعی در برابر توسعه و پیشرفت خواهد بود. این

مسئله به معنی وارد کردن فرهنگ بیگانه در کلیت آن نیست، بلکه نظر به پیرایش از برخی عادات و ترویج باورهایی دارد که برای پیشرفت نیاز به آن‌ها ملموس است. باورهایی که حتی می‌توان در میان آموزه‌های ایرانی-اسلامی نیز بدان‌ها دست یافت. تنها خوانش‌های جدید و مروجانی فهیم می‌طلبند.

شناخت خلیات ایرانی در تاریخ و بسط این نگاه تا به امروز می‌تواند زمینه‌ساز پیرایش نکات منفی رسوب کرده در اخلاق اقتصادی ایرانی و تلاش برای بسط توسعه فرهنگی و به دنبال آن توسعه اقتصادی در کشورمان باشد.



منابع

- آبراهامیان، یرواند (1377) ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آرون، ریمون (1386) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی فرهنگی.
- اشرف، احمد (1347) نظام فئودالی یا نظام آسیایی: نقد و نظری در ویژگی‌های تاریخ ایران، تهران: بی جا.
- اشرف، احمد (1359) موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، انتشارات زمینه.
- آفاری، ژانت (1385) انقلاب مشروطه ایران، ترجمه رضا رضایی، نشر بیستون، چاپ سوم.
- پروگش، هنریش (1389) سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه محمد حسین کردبچه، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم
- بندیکس، راینهارد (1382) سیمای فکری ماکس وبر، ترجمه محمود رامبد، انتشارات هرمس.
- پنجامین، ساموئل گرین (1363) ایران و ایرانیان (خاطرات و سفرنامه)، به اهتمام رحیم رضا زاده ملک، نشر گلبانگ، چاپ اول.
- پولاک، یاکوب ادوارد (1361) سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، چاپ اول.
- تانکوانی، ژ. ام (1383) نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، ترجمه علی اصغر سعیدی، نشر چشمه، چاپ اول.
- ترابی فارسانی، سهیلا (1384) تجار، مشروطیت و دولت مدرن، نشر تاریخ ایران، چاپ اول.
- ترنر، برایان (1379) ماکس وبر و اسلام، ترجمه سعید وصالی، نشر مرکز.
- دلریش، بشری (1376) زن در دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی هنر، چاپ دوم.
- دوروشوار، کنت ژولین (1378) خاطرات سفر ایران، ترجمه مهران توکلی، نشر نی.
- دوسوتو، هراندو (1385) راز سرمایه - چرا سرمایه‌داری در غرب موفق می‌شود و در جاهای دیگر شکست می‌خورد؟، ترجمه فریدون تفضلی، نشر نی، چاپ اول.
- دوگوبینو (1385) سه سال در ایران، ترجمه و اقتباس ذبیح اله منصوری، نگارستان کتاب، چاپ اول.
- رنه دالمانی، هانری (1335) سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه و نگارش فره‌وشی (مترجم همایون)، چاپ گیلان.
- سومبارت، ورنز (1384) یهودیان و حیات اقتصادی مدرن، ترجمه رحیم قاسمیان، نشر ساقی، چاپ اول.
- سیف، احمد (1373) اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: نشر چشمه.
- شهری، جعفر (1371) تهران قدیم، انتشارات معین، جلد چهارم.
- شیل، مری (1368) خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ایوتراپیان، نشر نو، چاپ دوم.
- صدری، احمد (1386) جامعه‌شناسان روشنفکران ماکس وبر، ترجمه حسن آبنیکی، انتشارات کویر.
- علمداری، کاظم (1379) چرا ایران عقب ماند و چار غرب پیش رفت؟، تهران: نشر توسعه.

- عیسوی، چارلز (1369) تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار 1332-1215 ه.ق.)، ترجمه دکتر یعقوب آژند، نشر گستره، چاپ دوم.
- فلور، ویلم (1365) جستارهایی در تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات توس، جلد دوم.
- فوران، جان (1383) مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب، ترجمه احمد تدین، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ پنجم.
- کدی، نیکی‌آر (1381) ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان، 1304-1175، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، نشر اول، چاپ اول.
- کرایب، یان (1384) نظریه‌ی اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، انتشارات آگه.
- کرایب، یان؛ بنتون، تد (1389) فلسفه علوم اجتماعی - بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد، نشر آگه، چاپ سوم.
- گزارش هیات بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران (1376) اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم، مترجمین: معصومه جمشیدی، محمد تقی حروفچین، محمد عوادزاده، مهرنوش میراحسان، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول.
- هاله لاجوردی (1385) «فصلنامه انجمن ایرانی مطالعه فرهنگی و ارتباطات»، سال دوم، شماره شش پاییز.
- لمبتون، آ.ک.س (1375) ایران عصر قاجار (ترجمه و گفتاری درباب ایران شناسی)، ترجمه سیمین فصیحی، انتشارات جاودان خرد.
- ملک‌زاده، مهدی (1383) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات سخن.
- وبر، ماکس (1374) اقتصاد و جامعه: مفاهیم اساسی جامعه شناسی، جامعه شناسی اقتصادی، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عباس منوچهری، ترابی نژاد، نشر مولی چاپ اول.
- وبر، ماکس (1371) اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، مترجم عبدالمعبود انصاری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران.
- وبر، ماکس (1384) روش شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر مرکز، چاپ دوم.
- وبر، ماکس (1382) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، مترجم عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، انتشارات علمی فرهنگی.
- وبر، ماکس (1387) دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، نشر هرمس، چاپ سوم.
- ولی، عباس (1380) ایران پیش از سرمایه‌داری، ترجمه حسین شمس‌آوری، نشر مرکز.
- همایون کاتوزیان، محمد علی (1377) اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ ششم.
- North. Douglaa. c., (1971), Institutional Change and Economic Growth, The Journal of Economic History, Vol. 31, No. 1, pp. 118-125
- North. Douglaa. c; 2005: Understanding the process of Economic Change, Princeton University Press